

International Conference on  
**The Role of Art and Architecture in Scientific Communications  
 between Iran and the Arab Worlds**  
 May 12th -13th 2018 -Kashan- I.R.Iran

Dear researchers:

**Foroughi, Mohammad Sadegh- Taheri, Jafar**

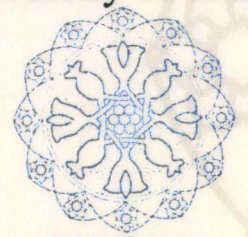
This is to certify that the paper entitled

**Theoretical Origins of Contemporary Architecture in Islamic World**

Has been approved by the scientific committee of the International Conference on the Role of Art and Architecture in Scientific Communications between Iran and the Arab Worlds held at the University of Kashan.

**Dr.Danaeinia, Ahmad**

Chair of the Academic  
 Committee of IRAR 2018



International Conference on  
 The Role of Art and Architecture  
 in Scientific Communications between  
 Iran and Arab Countries  
 IRAR 2018

**Prof. Zeraat, Abbas**

Chair of the IRAR 2018

## خاستگاه های نظری در معماری معاصر جهان اسلام

محمد صادق فروغی<sup>۱</sup>، جعفر طاهری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>۲</sup>(نویسنده مسئول) دانشکده معماری، دانشگاه فردوسی مشهد؛ E-mail: j.taheri@um.ac.ir

## Theoretical origins of contemporary architecture in Islamic world

Mohammad Sadegh Foroughi<sup>1</sup>, Jafar Taheri<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Student in M.A, Faculty of Architecture and Urbanism, Ferdowsi University of Mashhad

<sup>2</sup>Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding author; E-mail: j.taheri@um.ac.ir)

## خاستگاه های نظری در معماری معاصر جهان اسلام

### چکیده

معماران جهان اسلام بیش از یکصد سال به مسأله دوگانه حفظ و تداوم سنت یا پذیرش کامل مدرنیته در معماری، پاسخ‌های عملی مختلفی داده اند. این پاسخ‌ها عمیقاً متأثر از دیدگاه‌های اندیشمندان معاصر جهان اسلام در خصوص نسبت این دو و میزان گرایش این معماران به این دو مفهوم بوده است. به عبارتی در حوزه نظر (اندیشه) و عمل (معماری) سه گفتمان و رویکرد کلی (۱) بازگشت به سنت (۲) پیروی از مدرنیته (۳) تلفیق سنت و مدرنیته، قابل شناسایی است، که آخرین رویکرد طیف وسیعی از معماران را شامل می‌شود که هر یک در نقطه‌ای از این طیف دوگانه قرار دارند. در این مقاله با بررسی تأثیرات این گفتمان‌ها بر اندیشه و روش کار معماران معاصر پیشرو جهان اسلام، تفسیری تاریخی از رویکردهای عمده طراحی برپایه مفاهیم دوگانه و چند وجهی سنت و مدرنیته ارائه می‌شود. این تفسیر بر پایه تناظر و مقایسه تطبیقی مبانی نظری و آثار معماران معاصر با نظریات اندیشمندانی چون سید جمال الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، مرتضی مطهری، سید حسین نصر، محمد ارکون و جابری استوار بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که هر یک از این معماران، به هر یک از این سه حوزه گفتمانی و در حقیقت بازه بین دو سر طیف سنت و مدرنیته، تعلق و یا گرایش داشته‌اند؛ با این وجود قاطبه ایشان از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به گفتمان تلفیقی میانه گرایش نشان داده‌اند. ضمن اینکه بنظر می‌رسد در دو دهه اخیر علاوه بر تداوم این گفتمان، گرایش به یک سر طیف، یعنی مدرنیته بیشتر شده است. از منظر کلی‌تر می‌توان اظهار نمود که چشم‌انداز معماری در جهان اسلام، متأثر از دوئل اندیشه‌های احیاگر نوین و میزان نفوذ و سیطره این اندیشه‌ها بر حاکمان و نخبگان جامعه خواهد بود.

واژگان کلیدی: احیاگری دینی، تجدد، سنت، جهان اسلام، معماری

## ۱: تبیین مسأله

پیدایش جنبش احیاءگری دینی از میانه سده ۱۹ میلادی به واسطه سید جمال‌الدین اسدآبادی، آغازی است بر طرح نظری دوگانه سنت و مدرنیته که امروز معماری و به طور کلی تمام جنبه‌های فرهنگی جهان اسلام را در بر گرفته. در این دوران معمارانی هستند که سعی در ارائه راه‌حل به جدال این دوگانه بوده‌اند که در سه دسته اصلی قابل شناسایی‌اند. (۱) جماعتی که به بازگشت به سنت‌ها معتقد هستند و مجالی برای اندیشه مدرن نمی‌بینند و آن را مخالف با ارزش‌های اسلامی می‌دانند. (۲) جماعت دیگری مدرنیته را نیاز جامعه امروز تلقی می‌کنند و در برخورد با سنت، آن را به دست تاریخ می‌سپارند. (۳) و در نهایت دسته‌ای که بین این دو نگرش قرار گرفته. اما مقوله‌ای که تا به امروز از منظر دید خارج مانده ارتباط بین دنیای معماری و گفتمان‌های اندیشه در پاسخ به این دوگانه است. با این اوصاف این سوال مطرح است: (۱) ارتباط بین معماری معاصر در جهان اسلام و گفتمان‌های نوین اندیشه اسلامی چیست؟ (۲) کدام رویکردهای نظری بر شکل‌گیری مبانی معماری معاصر در جهان اسلام تاثیر گذار بوده‌اند؟ و؛ (۳) ریشه‌های نظری معماری معاصر در جهان اسلام از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها ابتدا باید جنبش احیاءگری دینی و ریشه‌های آن را شناخت. به دنبال این اندیشه ریشه‌های جنبش احیاءگری در معماری و مبانی نظری معماران به همراه آثارشان بررسی و معرفی خواهند شد. صاحب نظران، جنبش احیاءگری را که در اوایل قرن بیستم در معماری ظهور کرد را آغاز رویکردی می‌دانند که بعد از نیمه همان قرن به اوج خود رسید. توجه به این دوران و معرفی معماران مطرح که عمدتاً بومیان تحصیل کرده در کشورهای غربی بودند، به همراه اتفاقات دنیای اندیشه و انقلاب‌های فکری در جهان اسلام، تصور بهتری از وضعیتی را خواهد داد که منجر به شکل‌گیری معماری معاصر جهان اسلام است. در جایی که کشورهای حوزه خلیج فارس به واسطه معماری که خود را اسلامی می‌داند و با سرعت رو به رشد است، خود را نمونه‌ای مناسب از معماری معاصر و قابل تصور در آینده جوامع اسلامی می‌دانند. هرچند که ریشه‌ها و مبانی نظری این معماری و روشی که در پیش گرفته، جدای از نمونه‌های موفق، از سوی بسیاری از صاحب‌نظران مورد نقد جدی است.

## ۲: مقدمه

معماری معاصر جهان اسلام، در جدالی دست کم یکصد ساله، مابین حفظ ارزش‌هایی که در طی قرن‌های پس از ظهور اسلام شکل گرفته و دستاوردهای اندیشه مدرن و تکنولوژی؛ قرار گرفته است. جوامع اسلامی که در زمان‌هایی نه چندان دور از سردمداران معماری جهان بوده‌اند، اکنون در بین دوگانه‌ای قرار دارند که دو سرطیفی را تشکیل می‌دهد که می‌توان معماری معاصر جهان اسلام را درون آن تعریف کرد. اما منشأ این دوگانه در حوزه معماری نیست؛ بلکه خواستگاه آن در حوزه اندیشه قرار دارد. دولت‌های غربی در دوران ضعف حکومت‌های اسلامی با دست اندازی نظامی و سلطه سیاسی بر این کشورها، با هدف دستیابی به ثروت‌های آنان این مناطق را تحت استعمار خود درآوردند. از آنجا که تفکر حاکم بر جامعه نقش پررنگی در تعریف ارزش‌ها و فرهنگ آن دارد، جوامع اسلامی به تدریج تحت تأثیر اندیشه غرب، شروع به ساخت معماری‌ای کردند که کاملاً بر مبنای ارزش‌های غربی بنا نهاده شده بود. از روی همین آثار معماری است که می‌توان به میزان تأثیر اندیشه غرب بر فرهنگ و تفکر کشورهای اسلامی پی برد. می‌توان چنین گفت که اندیشه، بعد از تسلط نظامی - سیاسی غرب به منطقه وارد شد و در هنگام ورود با جامعه‌ای کاملاً منفعل مواجه بود (حبیبی ۱۳۸۵، ۱۳). در این شرایط است که نخبگان مسلمان با درک وضعیت حاضر و اشراف به آینده پیش رو جوامع اسلامی، جنبشی را به راه انداختند که به جنبش «احیاءگری اسلام» شناخته می‌شود

## ۳: پیشینه تحقیق

در این زمینه می‌توان سه دسته کلی از محققین را شناسایی کرد. دسته اول، آن‌هایی که تمرکز خود را بر روی معماری یکی از کشورهای اسلامی قرار داده‌اند. مثلاً معظمی و حجت (۱۳۹۶)، و حبیبی (۱۳۸۵) که تمرکز خود را بر روی معماری معاصر ایران قرار داده‌اند. در حوزه تحقیقات درون مرزهای یک کشور، رویکرد دیگر مربوط به بررسی بناهای شاخص معاصر همان کشور است، همانند آنچه که کولترمن (1991) در بررسی معماری معاصر اردن ارائه کرده است. دسته دیگری از تحقیقات با محدود کردن خود بر روی یک و یا چند معمار، مطالعات خود را بر ویژگی‌های نظری و کارهای آنان و تأثیرشان بر معماری کشورهای خود و گاهاً جهان اسلام را بررسی می‌کنند. همانند تحقیق الاسد (1992)

که بر روی معماری واحد انجام شده است و یا مصاحبه ابوحمدهان با جعفر توکان که در مجله MIMAR (1984) در بررسی آراء معماران، تحقیقاتی که کارهای حسن فتحی و راسم بدران را متناظر و مکمل یکدیگر دانسته به چشم می‌خورند. جیمز استیل (۱۳۹۳) در کتاب خود که درباره معماری راسم بدران است، فصل اول را به معماری حسن فتحی اختصاص داده است؛ و همچنین والد الصیاد (2011) معتقد است این دو، از برجسته‌ترین معماران جهان اسلام هستند که می‌توان معماری آن‌ها را پاسخ درستی به دوگانه سنت- مدرنیته دانست.

دسته سوم آن مطالعاتی است که با نگاه کلی‌تر معماری معاصر در جهان اسلام را بررسی می‌کند. شاید بتوان تأثیرگذارترین چهره در مطالعات معماری معاصر جهان اسلام را ناصر رباط دانست. دو مقاله نسبتاً اخیر او درباره چپستی معماری (2012a) معاصر اسلامی و میزان ریسک‌پذیری ساخت این معماری در جهان معاصر اسلام (2012b) است. همانند رباط که تحقیقات مؤثری در زمینه معماری معاصر در کشورهای اسلامی داشته است، میتوان عبدالمنم و سلیم (2003) را از دیگر منتقدین معماری جهان اسلام دانست. بر پایه ملاحظات، آنچه که در این حوزه تحقیق کمتر مورد توجه بوده است، نگاه توامان به تحولات معماری و جریان‌های فکری و گفتمان‌های اندیشه در جهان معاصر اسلام است. دانش‌وران بدون توجه به این حوزه موضع‌گیری‌های خود را انجام داده‌اند، حال آنکه می‌توان جریان‌های موازی را در گفتمان اندیشه و مبنای نظری معماری پیدا کرد.

#### ۴: ریشه‌های "معماری اسلامی" و دوگانه "سنت-مدرنیته"

واژه شرق و یا شرق‌شناسی (Orientalism) ابداعی بود از اروپاییان برای تعریف هویت و شخصیت خود در برابر این بخش از جهان. این دوران که تحت عنوان تهاجم امپریالیستی نیز شناخته می‌شود فرهنگ و اندیشه جهان اسلام را بطور کامل تحت تأثیر قرار داد. در این دوران دو جریان موازی در حوزه معماری کشورهای مستعمره شکل گرفت. ابتدا متخصصینی که در برخورد با معماری اسلامی سعی در کشف آن دارند، با برداشت‌های تصویری و یا به صورت اسکس در حال فهم آن بودند. کتاب‌ها، مجلات و کاتالوگ‌هایی که طی این دوران به چاپ رسیدند آغازگر شناخت اروپاییان از معماری اسلامی است (Rabbat 2012a). اما جریان دوم که در دوران استعمار نقش تأثیرگذارتری داشت، آن دسته از آثار معماری است که زیر نظر دولت‌های غربی و درون خاک کشورهای اسلامی ساخته شد. معمارانی که بدور از ملاحظات فرهنگی و زمینه‌ای جامعه، بر مبنای آموخته‌های خود از معماری غرب، جامعه‌ای را که آینه‌ای از فرهنگ خودشان بود در زمین دیگری ساختند (Abdelmonem and Selim 2003). از آنجا که معماری یکی از راه‌های شناخت جامعه است، نفوذ ارزش‌های معماری اروپایی می‌تواند میزان نفوذ و سلطه ارزش‌های آن جوامع بر زندگی مردم در جهان اسلام را نشان دهد. درک سلطه غرب بر اندیشه و فرهنگ منفعل آن زمان جوامع اسلامی، و نیز عدم پاسخ‌دهی مناسب اندیشه مدرن به تمام نیازهای آن جوامع، منجر به ظهور جنبشی درونی ای شد، با هدف مقابله با نفوذ غرب و بازسازی ارزش و سنت‌های اسلامی که پاسخگوی تمامی نیازهای ایشان باشد.

دو معضل درونی (افول) و بیرونی (استعمار) منجر به شکل‌گیری جریان انتقادی شد که شرایط جامعه را مورد پرسش قرار می‌داد. در پاسخ به این معضلات گفتمان‌های نظری مختلفی در جهان اسلام طی یک‌دهه اخیر شکل گرفت و تکامل یافت. ۱) نخست جنبش اصلاحی بازگشت به گذشته (سلفی‌گری) است که نوگرایی را نمی‌پذیرد و با دعوت جنبش نوگرایی مبنی بر جدایی از سنت و جایگزین کردن عقلانیت و خردورزی با آن به رویارویی برمی‌خیزد. ۲) گرایش دوم بر اساس تعلیمات و اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی است که به شدت به نقد اندیشه‌های نوگرایی می‌پردازد اما با وجود این بر خردورزی و عقلانیت منتج از اندیشه غرب تأکید می‌کند و آن را شایسته می‌داند. ۳) اما گرایش سوم آن دسته‌ای است که با قبول روشنگری و دستاوردهای علمی مدرنیته و دنیای معاصر غرب، آن‌ها را اصل قرار داده و یا در تلاش برای ترکیب آن‌ها با ارزش‌های موجود در سنت اسلامی هستند (مسعودی و استادی ۱۳۸۸).

سید جمال الدین اسدآبادی به عنوان یکی از اولین اندیشمندان این حوزه، ریشه‌های انحطاط و زوال جوامع مسلمان را از جبهه درون؛ بی‌قانونی، فقدان دانش، نبود آزادی و همبستگی اجتماعی، و از جبهه خارجی؛ استعمار و نداشتن استقلال فرهنگی می‌دانست. او برای رفع این معضل ابتدا به پیرایش و بازسازی تفکر اسلامی می‌پردازد و سپس از طریق وارد کردن عناصر رهاننده و مترقی گفتمان مدرنیته در درون تفکر اسلامی، هویتی مستقل و غیر غربی می‌سازد که آن را موثرترین راه برای مقابله با استعمار می‌داند (توانا ۱۳۸۵). بدین طریق سید جمال الدین

اسدآبادی در جواب به وضعیت موجود جوامع اسلامی بنیان جنبش احیای دینی را پایه گذاری کرد. (کلاهدوز و عابدیها ۱۳۹۴). این جنبش احیای به محور گفت‌وگوهای اندیشه در اوایل قرن ۲۰ میلادی تبدیل شد. هم سو شدن این جنبش درونی در جهان اسلام، با گفت‌وگو نقد پس-استعماری که در غرب مطرح شد، نظریات احیای در معماری را پایه گذاری کرد.

در اوایل قرن ۲۰ با همه گیر شدن اندیشه احیای، این گفت‌وگو به حوزه معماری نیز نفوذ پیدا کرد. در این سال‌ها دو جریان کلی را می‌توان در معماری جهان اسلام شنا سایی کرد. (۱) نخست ادامه تمرکز بر روی خود معماری به عنوان عن صری جدا افتاده از زمینه که بر تناقضات و پارادوکس‌های موجود در معماری جهان اسلام افزود. (۲) گروه دیگر موج پر طرفدار از معماران تاریخ‌گرا و احیای که با اقتباس آزاد از فرم‌های سنتی و ترکیب‌های آن‌ها با هم سبک تلفیقی را بوجود آوردند (Rabbat 2012b) از طرف دیگر بازگشت موج اندیشمندان مسلمان که برای تحصیل به غرب رفته بودند و هم سو شدن آنان با اندیشمندان درون جهان اسلام بود، که گفت‌وگویی را با هدف فهم هنر و معماری اسلامی از خلال سنت و عرفان شروع کردند. از معروفترین این اندیشمندان می‌توان به سید حسین نصر و تیتوس بوركهارت<sup>۴</sup> اشاره داشت. (Rabbat 2012a). این سلسله اتفاقات در حوزه گفت‌وگوهای اندیشه و حوزه نظر و عمل معماری باعث شد تا جنبش احیای در جهان اسلام و به دنبال آن معماری این منطقه، از نیمه دوم قرن بیستم به بعد وارد مرحله جدیدی شود که می‌توان از آن به دوران تثبیت و تکامل این جنبش شناخت.

### ۵: تثبیت نظریات احیای در معماری جهان اسلام

جنبش احیای پس از نیمه دوم قرن بیستم و هم‌زمانی و هم‌سویی با نظریات پس‌استعماری شکل گرفته بود. گفت‌وگو پس‌استعماری در نیمه قرن بیستم هم‌سو و متأثر از گفت‌وگوهای پس‌مدرنیسم، پس‌ساختارگرایی، نقد نئو-مارکسیستی و فمینیسم، به واسطه ادوارد سعید و کتاب شرق‌شناسی (۱۹۷۸) او به اوج خود رسیده بود (ساعی ۱۳۸۵)؛ و منجر به اتفاقات سیاسی مهمی در منطقه شد. انقلاب اسلامی اواخر دهه هفتاد میلادی در ایران یکی از همین جریانات مهم بود که منجر به حیات دوباره اندیشه‌های احیای شد و در واقع واکنشی بود به ناکامی دولت‌های ملی در برابر دخالت دولت‌های خارجی و انحطاط اخلاقی آنان. انقلاب فکری حوزه اندیشه، منجر به جنبشی کامل در راستای احیای معماری جهان اسلام در سال‌های ۱۹۷۰ میلادی شد. این جنبش از سه طریق سعی بر پاسخ به نیازهای جامعه خود داشت. اولین حوزه، پاسخ به نیازهای جامعه جدید بود که با نفوذ اندیشه‌های مدرن دیگر نمی‌توانست تمامی نیازهای خود را از معماری سنتی بگیرد. از این رو ساختن مفاهیم جدید برای پروژه‌های جدیدی مانند موزه‌ها، سینما، مراکز پژوهشی و از این دست فضاهایی بود که نیاز جامعه امروزی هستند. ساختمان‌هایی همچون بازار اسلامی شارجه<sup>۵</sup> و هتل البصره در عراق نمونه‌هایی بودند که بنا به ماهیت عملکردی جدیدشان، با ساختن مفاهیم جدید که منطبق بر سنت‌های گذشته باشد، به نیازهای جدید پاسخ گفتند. در هنگام ساختن این مفاهیم، معماری معاصر جهان اسلام سازگاری با روند نوین را نیز در پی گرفت. این روش منجر به رویکردی تعاملی با تکنولوژی شد که بنا به مسائل اقتصادی-زمانی تزئینات را از بدنه معماری حذف نمود و در عوض بر روی جزئیاتی خاص مانند مشربیه‌ها توانست در خدمت معماری معاصر باشد. در نهایت آخرین طریق مورد توجه جنبش احیای، نیازهای روانی جامعه اسلامی بود که نمی‌توانست رابطه خود با سنت‌ها را در معماری استعماری ببیند. از این طریق بازبانی فرم‌های تاریخی به منظور استمرار گذشته تا امروز، می‌توانست تأثیر مثبتی بر جامعه بگذارد (Abdelmonem and Selim 2003).

عنوان معماری احیای، ملی‌گرا و زمینه‌گرا، همواره با نام حسن فتحی همراه بوده است. او که پس از تحصیل در غرب در سال ۱۹۶۲ به مصر بازگشت نظامی از اندیشه معماری وابسته به معماری بومی و معماری سمبل‌گرای سنتی با گرایش به ادبیات معماری معاصر را خلق کرد. فتحی در هنگام بازگشت، همانند دیگر معماران این دوره که بعد از تحصیل به کشور خود بر می‌گشتند، با جامعه ای روبرو شد که تغییرات بنیادینی در روند ساخت و ساز آن شکل گرفته بود (استیل ۱۳۹۳، ۴)؛ که معماری فتحی پاسخی بود به همین دگرگونی‌ها. گرچه که بازگشت به سنت‌ها قبل از فتحی توسط دیگر معماران شروع شده بود، اما شیوه‌ای که فتحی بکار برد تفاوت‌های بنیادینی با دیگران داشت. برخلاف آنچه که تقلید و نگاه سطحی به معماری جهان اسلام بود فتحی با اصالت دادن به ویژگی‌های کارکردی و درگیر با زندگی مردم معماری در جهان اسلام را نوعی از معماری وابسته به زمینه می‌دانست که در هر کشور خصوصیات خود را داشت (استیل ۱۳۹۳، ۸ تا ۱۱). فتحی برای اینکه انتخاب آگاهانه خود مبنی بر استفاده از سنت را نشان دهد، عنوان می‌کند که بازگشت به سنت الزاماً دستاوردهای بهتری ندارد، همانطور که مدرنیته همواره به معنی تخریب و بی‌هویتی نیست (Al Sayyed 2011).

جدول ۱: مبانی نظری (سنت و مدرنیته) اندیشمندان معاصر دنیای اسلام

اندیشمند	تولد (میلادی)	مبانی نظری	اندیشه متناظر
سید جمال‌الدین اسدآبادی J. al-Din Asadabadi	۱۸۳۸- ۱۸۹۷	دستاوردهای مدرنیته اصالتاً اسلامی است اتحاد جوامع اسلامی، خودآگاهی نسبت به منافع مشترک و بازگردانی عظمت	-
اقبال لاهوری Iqbal Lahouri	۱۸۷۷- ۱۹۳۸	خودشناسی جوامع مسلمان/ نفی تقلید از غرب (سلبی) اثبات هویت خودی (ایجابی)/ مخالفت با شکاکان به ترکیب اندیشه‌های شرق و غرب	سید جمال‌الدین اسدآبادی
محمد علی فروغی M. Ali Foroughi	۱۸۷۷- ۱۹۴۲	آغازگر پرسش چگونگی ترکیب مدرنیته و سنت‌ها گسترش ذهنیت لیبرال و سکولار	امانوئل کانت
مرتضی مطهری Morteza Motahhari	۱۹۱۹- ۱۹۷۹	احیاء هم‌تراز امر به معروف و نهی از منکر است/ متمایز از مدرنیته کردن دین، دین را اصل قرار دادن/ تأکید بر بخش‌هایی از دین (مانند اجتهاد) که توانایی دخل و تصرف مدرنیته را دارند	سید جمال‌الدین اسدآبادی محمد عبده اقبال لاهوری
نصر حامد ابوزید Nasr Abu Zayd	۱۹۴۲- ۲۰۱۰	عدم تفاوت در اندیشه‌های میانه‌رو و تندرو به دلیل داشتن مبانی مشترک ماهیت نوگرایی اسلام- عدم تضاد با اندیشه‌های نوین تصویر استعماری از غرب- تردید جوامع مسلمان از پذیرش اندیشه‌های غرب	-
محمد عابد الجابری Mohammed Abed al-Jabri	۱۹۳۵- ۲۰۱۰	نقد عقل عربی/ گسستن از میراثی که جوامع عرب را از تعریف سنتی به جوامعی دارای میراث/ جداسازی متن از خواننده با نگاه سوبژکتویسم / رهایی از سیطره انعطاف ناپذیر متن به‌وسیله دیدگاه سه مرحله‌ای / (ساختارگرایی- تحلیل تاریخی- تبارشناسی)	معرفت‌شناسی زبان شناختی گاستون باشلار عبد‌الکریم سروش
محمد ارکون Mohammed Arkoun	۱۹۲۸- ۲۰۱۰	نقد عقل اسلامی (نقد میراث فکری و فرآیندهای منجر با آن میراث) - نگاه انتقادی (دکارتی) به شناخت کلاسیک و سنتی از دین/ ورود به نااندیشیده‌ها / اسطوره زدایی- نقد انگاره‌های خیالین-نفی جزم‌گرایی/ نفی نظریات شرق‌شناسانه غرب/ واسازی‌گرایی تاریخی با رویکرد آموخته‌زدایی	زبان‌شناسی ساختاری نشانه‌شناسی دریدا پساساختارگرایی
سید حسین نصر Hossein Nasr	۱۹۳۳	زیر سوال بردن منظومه مدرنیته از ابتدای دکارت و گالیله/ اشاعه فلسفه و علم اسلامی به زبان معاصر/ علم مدرنیته باید در جهان عقلانی اسلام جذب گردد	آیت‌الله بروجردی علامه طباطبایی لئو استراوس
عبدالکریم سروش Abdolkarim Soroush	۱۹۴۵	معنای عقل جدید در متن عرفانی، اخلاق مولانایی و غزالی/ دینداری تجربه‌گرا و معرفت‌اندیش/ روایتی انسان‌گون از دین و سیاست/ اخذ باورهای جدید به شرط سازگاری با کل باورهای از پیش داشته- انسجام‌گرایی	کانت جان هبک کارل پوپر پسا پوزیتیویسم
رامین جهان‌بگلو Ramin Jahanbegloo	۱۹۵۶	اندیشه مبتنی بر لایه‌های سه‌گانه تمدن در ایران جامعه‌ای که بیش از حد مدرن شده- بدون داشتن جوهره اندیشه مدرن توجه بیش از حد به خرد ابزاری مدرن بجای خرد انتقادی که ریشه مدرنیته است	خرد انتقادی

آنچه که در معماری ملی‌گرای بعد از حسن فتحی اتفاق افتاد را می‌توان در معماری راسم‌بدران دنبال کرد. سوال اصلی که معماری او را تحت شعاع قرار می‌داد این بود که چگونه معماری معاصر می‌تواند از میراث فرهنگی و تاریخی یک جامعه استفاده کند و در عین حال خصوصیات معاصر بودن را داشته باشد (Al Sayyed 2011). شاید این دغدغه ذهنی را بتوان نقطه جدایی او از فتحی دانست. فتحی هیچگاه معماری خود را با هدف مدرن بودن نمی‌ساخت، هرچند که مدرن بودن از نظر بدران متفاوت از آن دستاوردهایی است که معماری غرب به همراه آورده. او مخالف خدشه در زندگی عموم مردم به بهانه بهره‌گیری از جنبه‌های تکنولوژیک و یا هندسه‌های مخدوش است (بدران ۱۳۹۳). از پیشگامان

کنونی این معماری می‌توان به بالکریشنا دوشی، معمار هندی اشاره کرد که از دهه ۷۰ میلادی شروع به کار کرد و جایزه معماری پریترکر ۲۰۱۸ را از آن خود کرده است. او معتقد است که فهمی عمیق از گذشته و ارتباط صمیمی و راحت با امروز تنها راهی است که می‌توان آینده‌ای پایدار را برای خود رقم زد (Gangwar 2017). از دیگر معماران این جنبش و شاگردان حسن فتحی می‌توان به عبدالواحد الوکیلی مصری اشاره کرد که بخصوص در زمینه ساخت مساجد و بهره‌گیری از پتانسیل متریال‌های سنتی و ترکیب آن‌ها با فضاهای نوین تخصص ویژه‌ای دارد. کارهای او بطور مشخص به به معماری‌های قبل از دوران استعمار وابسته است و در ساخت مساجدی مانند مسجد شاه سعود در شهر جدّه، نه تنها در استفاده از فرم و متریال، بلکه در پلان و شخصیت درونی پروژه نیز متأثر از مساجدی همچون مسجد جامع اصفهان بوده است (Al-Asad 1992).



تصویر ۱: روستای باریس جدید، حسن فتحی، ۱۹۶۳، خرگا-مصر<sup>۶</sup>

منبع: (archidatum n.d.)

در دوره تثبیت نظریات احیاگر دو شاخه اصلی در گفتمان اندیشه اسلامی قابل شناسایی است. ۱) دسته‌ای از اندیشمندان همچون سید حسین نصر ساختار نقد خود را بر فلسفه اسلامی می‌گذارند و با منظومه مدرن از همان ابتدای انقلاب دکارتی مخالفت می‌کنند و معتقدند که مدرنیته بایستی در اندیشه اسلامی حل شود. یعنی که نیاز جامعه امروزی را می‌توان در اندیشه اسلامی جست به شرط آنکه به زبان امروزی خوانده شود. ۲) اما گروه دیگر پایه نظریات خود را بر علمی بنا نهادند که دستاورد عمدتاً اندیشه پست مدرن است. در حقیقت این گروه به دنبال جواب معضل جامعه اسلامی، درون نظریات دنیای غرب می‌گردند. در این گفتمان می‌توان از ادوارد سعید، محمد عابد الجابری، محمد اراکون، و عبدالکریم سروش نام برد که بعضاً با نام (نو معتزله) نیز شناخته می‌شوند؛ و از نظریات پسا ساختارگرایی، زبان‌شناسی ساختاری، تبارشناسی و نشانه‌شناسی؛ و اندیشمندانی چون دریدا و میشل فوکو، برای یافتن راه حل معضل جوامع اسلامی استفاده می‌کنند.

همراه با این دو گفتمان در حوزه اندیشه می‌توان دو رویکرد در دنیای معماری را نیز دنبال نمود. رویکردهایی که مشخصاً خواهان تغییر شرایط بودند اما همانند آنچه که در گفتمان‌های دینی در دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ میلادی رخ داد، موج‌های ملی‌گرا در کشورهایمانند مصر، ترکیه و ایران به راه افتاد که عمدتاً به ناگاه ارتباطشان با گذشته قطع شده بود و یا کشورهای صاحب تاریخی بودند که جنبش‌های استقلال‌طلبانه را زودتر از دیگر دولت‌های اسلامی تجربه کرده بودند. این نوع از معماری ملی‌گرا در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی در مقابل رویکرد نئو-اسلامی قرار گرفت که عمدتاً کشورهای شیخ‌نشین حاشیه خلیج فارس بودند (Rabbat 2012a) که پس از اکتشاف نفت در دهه ۴۰ و افزایش ناگهانی ثروتشان، خواهان معماری بودند که هم اسلامی باشد و هم معاصر. قدرت‌گیری کشورهای حوزه خلیج فارس با تغییر در ساختار جامعه همراه شد. قشر جدیدی از ثروتمندان، صاحبان سرمایه و دولت‌هایی که بر روی کار آمدند، در جستجوی زندگی مدرنی بودند که در عین حال نمایی از فرهنگ خود را نیز داشته باشد. با توجه به ثروت هنگفت این دولت‌ها، از دهه ۹۰ میلادی به بعد بیشترین تمرکز و تولید در حوزه معماری جهان اسلام را به خود اختصاص دادند. معمارانی که اکثراً غربی و یا تحصیل کرده غرب بودند، بر مبنای همان اصول غربی بناهایی ساختند که ناصر رباط از آن‌ها به عنوان جنبش نئو-اسلامی یاد می‌کند.



جدول ۲: مبانی نظری (سنت و مدرنیته) معماران معاصر جهان اسلام

معمار	تولد (میلادی)	مبانی نظری	اندیشه و معماران متناظر
آندره گدار André Godard	۱۸۸۱-۱۹۵۶	اولین کاربرد سنت در ساخت بناهای مدرن توجه به سنت در مظاهر بیرونی، در تقابل با ذات مدرن درونی بناها	شرق‌شناسی میس وندروهه
حسن فتحی Hassan Fathy	۱۹۰۰-۱۹۸۹	از مشکلات معماری معاصر تغییر از درونگرایی به برونگرایی است/ چالش معماری طراحی در با زیرساخت‌های غربی ولی در کشوری اسلامی / وظیفه هنرمند رساندن سنت‌ها به نقطه اوج توسعه درونی است/ مدرنیته همواره به معنی تخریب و بی‌هویتی نیست، همانطور که بازگشت به سنت لزوماً دستاورد بهتری ندارد/ مبارزه با قوانین استعماری بریتانیا و اعتلای هویت ملی مصر	- سنت‌گرایان
هوشنگ سیحون Hooshang Seyhoun	۱۹۲۰-۲۰۱۴	هم‌راستایی سنت و تکنولوژی معماری یادمانی	
نادر خلیلی Nader Khalili	۱۹۳۶-۲۰۰۷	توجه به متریال «خاک» در ساخت سرپناه‌های بومی / استفاده از مصالح سنتی به روش‌های جدید/ احیاء سنن، آداب و رفتار گذشتگان	حسن فتحی
رفعت چادرجی Rifat Chadirji	۱۹۲۶	<b>International regionalism</b> منحصر به فرد بودن، نیازهای اجتماعی و التزام به تکنولوژی معماری وابسته به زمان، فضا-زمینه و فرهنگ	راسیونالیسم میس وندروهه
بالکریشنا دوشی B. V. Doshi	۱۹۲۷	فهمی عمیق از گذشته و ارتباط صمیمی و راحت با امروز	لوکوربوزیه لویی کان
کامران دیبا Kamran Diba	۱۹۳۷	معماری انسانی/ معماری درگیر با محیط ارزشمندتر از "تک ساخت"ها است نقش معمار، استقرار فرهنگ زمان خود و غنی‌سازی آن است پرهیز از تکرار کورکورانه سنت‌ها	نیو بروتالیسم راسیونالیسم حسن فتحی
نادر اردلان Nader Ardalan	۱۹۳۹	بر استفاده از مصالح سنتی نباید اصرار ورزید/ کمال در استفاده از امکانات روز توأم با احترام به فرهنگ-طبیعت-هنر/ بیدارسازی هویت فرهنگی و فضاسازی بومی/ هفت اصل معماری ایرانی	یان مگهارت لویی کان سید حسین نصر مولانا
عبدالواحد الوکیل Abdel-Wahed El-Wakil	۱۹۴۳	اکتشافات جدید در زمینه پتانسیل‌های معماری سنتی نقش مهم آجر در نما و سازه ساختمان وابستگی فرمی و عملکردی به مساجد اولیه اسلامی	مساجد اولیه
راسم بدران Rasem Badran	۱۹۴۵	توجه به مردم و حقوق شهروندان توجه به سنت برای خلق فضای قابل زندگی در مقیاس انسانی عدم خدشه در زندگی به بهانه استفاده از تکنولوژی و هندسه دستیابی به کانسپت از قطعات بجامانده فرهنگی	حسن فتحی

۶: جنبش‌های نئو-اسلامی

از اندیشمندان پیشرو این رویکرد می‌توان به محمد ارکون اشاره داشت که سوال اصلی اندیشه خود را این می‌داند که: آیا اسلامی که امروزه در جوامع مسلمان حکم‌فرماست دربردارنده ابزار فرهنگی، آزادی و چهارچوب اجتماعی لازم هست که آن را بی‌نیاز از فلسفه مدرن گردانند؟ (مرشدی زاد ۱۳۸۵). در پاسخ به این سوال، ارکون بر انحراف جوامع مسلمان اشاره می‌کند و اینکه

دنیای جزم اندیش و مطلق انگار در جهان معاصر اسلام، هیچگاه وارد حوزه‌های نا اندیشیده از نظر وی نشده است (اکبرزاده و سلطانی ۱۳۹۴). ارکون در روش نقد خود معتقد است که ابتدا باید وارد فرآیند آموخته زدایی شد. چنان که برای رهایی از انحرافات و خرافه در دنیای معاصر اسلام، نیاز است ابتدا هرآنچه می‌دانیم را در طی این فرآیند کنار گذاشته و سپس از طریق اندیشیدن، اصل و فرع آن‌ها مشخص شود. همانطور که دریدا از ضرورت شالوده شکنی عقل مدرن سخن می‌گفت، ارکون نیز از ضرورت ساختارشکنی در حوزه اندیشه اسلامی سخن می‌گوید و معتقد است تنها راه برون رفت از این دور فکری و تکرار بی‌فایده‌ها، ساختارشکنی عقل اسلامی و نشان دادن پایه‌های ایدئولوژیک و متافیزیکی است که این عقل به گونه‌ای ناخود آگاه بر اساس آن‌ها اندیشیده است. محمد ارکون در روش واسازانه خود به سراغ دوگانه‌های موجود در عقل اسلامی می‌رود. او این دواندیشی‌ها را حاصل ذهنیت جزم اندیشه‌ای می‌داند که بر برخی مبانی اعتقادی تاکید و به همان شدت عقاید دیگری را رد کرده و بی‌معنا و بیهوده می‌شمارد. در حالی که شکل‌گیری چنین نظامی ریشه در سلطه و غلبه جریان حاکم دارد و نمی‌تواند حق را در خود منحصر بسازد (اکبرزاده و سلطانی ۱۳۹۴).

پس از پایان یافتن استعمار، کشورهای عربی نفت خیز منطقه از سال ۱۹۷۳ وارد برنامه‌های کلان توسعه‌ای شدند (M. Serageldin 1983). در این جوامع ترکیب سه عامل ثروت نیویافته، جلوه عمیقاً مذهبی و محافظه کار آن‌ها و تمایل پر اشتیاق شان به هویت مشخص و متمایز فرهنگی در میان انبوه ایدئولوژی‌های متعارض در منطقه، باعث شد تا چشم امیر نشینان خلیج فارس معماری‌ای را بگیرد که هم معاصر باشد و هم اسلامی. واکنش معماران به وجود چنین وضعیتی در اندک‌گاهی صادقانه و در اغلب اوقات، فرصت طلبانه بود: آن‌ها المان‌های معماری تاریخی را برداشتند و بر آن‌ها برچسب «تاریخی» یا «اسلامی» یا «عربی» زدند و از آن‌ها در طرح‌هایشان بهره بردند؛ این المان‌های تاریخی معمولاً یا دیگرام‌های پایه‌ای نقشه‌های آن‌ها بود یا به صورت تزئین روی سطوح ساختمان پخش می‌شد. (Rabbat 2012a)

بدین طریق دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی دو دسته جریان معماری شناخته می‌شد. ابتدا ملی‌گرایانی که سلف آن‌ها حسن فتحی بود همچنان رویکرد زمینه‌گرایی خود را ادامه می‌دادند، و سپس معمارانی که به قصد تولید معماری فرمالیستی در اندیشه مدرن غوطه‌ور شدند. گرایش به این معماری با سازه‌های شکوهمند و پر جلوه‌ای که شرکت‌های بزرگ چند ملیتی در حوزه خلیج فارس ساختند، به بالاترین حد خود رسید. این طراحان خارجی نمادهای بصری و نقش و نگار تاریخی را باز تفسیر کردند و از آن‌ها در طراحی بهره بردند. از این بناها می‌توان به ترمینال حج (SOM-1982) در شهر جدّه اشاره کرد که منبع الهام خود را چادرهای اعراب بادیه نشین می‌داند. در همان سال ساختمان مجلس ملی کویت توسط یورون اوتزن طراحی شد که بی‌شباهت به پروژه سیدنی نیست. و یکی از نمونه‌های متأخر موزه اسلامی قطر است که توسط I M Pei در سال ۲۰۰۹ طراحی شد و ادعا می‌کند که منبع الهام مکعب‌هایش گنبد مسجد ابن طولون قاهره بوده است (Rabbat 2012a).



تصویر ۳: ترمینال حج، SOM، ۱۹۸۱، مکه-عربستان

منبع تصویر: (Hajj Terminal – King Abdulaziz Airport | SOM)



تصویر ۲: موزه هنر اسلام، IM Pei، ۲۰۰۸، دوحه - قطر منبع تصویر:  
(Fairs 2008)

### ۷: نتیجه گیری

احیاگری اسلامی جنبشی بود برای مقابله با نفوذ غرب در تمامی جنبه‌های زندگی جامعه اسلامی. این جنبش خواهان بازگشت به سنت‌های گذشته است اما هیچگاه مدرنیته را به عنوان نیاز جامعه معاصر نفی نمی‌کند. این چنین است که این جنبش، بسته به نظریات غالب در هر دوره، درون طیفی سنت-مدرنیته تعریف می‌شود. اما این جنبش درون خود سه رویکرد کلی را به همراه دارد. ۱: شرق شناسی: ۲: ملی‌گرایی و ۳: نئو اسلامی. از منظر دیگر، موج‌های اولیه این جنبش گرایش بیشتری به سنت‌های گذشته داشتند. میتوان چنین تعبیر کرد که با توجه به اینکه اندیشه غالب در آن زمان حاصل از شخصیت استعماری جوامع مسلمان بود، موج‌های اولیه احیاگری که اقلیت جامعه را تشکیل می‌دادند، نظریات رادیکال‌تری داشتند. با گذشت زمان و فراگیر شدن این اندیشه توازن به جامعه اسلام بازگشت و به لحاظ موقعیت، اندیشه‌های شکل گرفت که معماری منتج از آن در میانه طیف سنت-مدرنیته قرار می‌گیرد. در دهه‌های اخیر اما نیاز جامعه مدرن، اندیشمندان و معماران را بر آن داشت تا برای یافتن پاسخ به اندیشه‌های غربی مراجعه کنند. این مراجعه به غرب همزمان شد با ظهور اندیشه‌های پست مدرنی که بسیار خوشایند اندیشمندان و معماران جهان اسلام بود. اما مبانی پست مدرن در غرب برای معماری بجز چند بنای انگشت شمار و موفق، نتیجه مناسبی را تا کنون به همراه نداشت.

## ۸: پی‌نوشت

<sup>1</sup> Religion restoration

<sup>2</sup> Titus Burckhardt

<sup>3</sup> Islamic Souq in Sharjah, UAE- 1978

<sup>4</sup> Al-Basra Sheraton, Al-Basra, Iraq-1981

<sup>5</sup> The Pritzker Architecture Prize

<sup>6</sup> New Baris Village

<sup>۷</sup> از واژه "معتزله" گرفته شده و به معتزلیان در صدر اسلام اشاره دارد. معتزله را نمایندگان نواندیشی در جهان صدر اسلام می‌شناسند؛ چرا که ایشان تلاش کردند مسائل جدید را، که از فاصله‌ی زمانی با دوران صدور وحی ناشی شده بود و نیز به پرسش‌هایی درباره رابطه وحی با واقعیت‌های روز، پاسخ گویند؛ در همین راستا آنان پیشگام بررسی رابطه گفتار الهی با گفتمان انسانی در اندیشه اسلامی و در شرایط متغیر تاریخی بودند

<sup>8</sup> Nationalist

<sup>9</sup> Neo-Islamicist

<sup>10</sup> Orientalist/colonial

## ۹: منابع و مأخذ

- ابوزید، نصر حامد. ۱۳۸۱. *نقد گفتمان دینی*. با ترجمه حسن یوسفی اشکوری و محمد جواهر کلام. تهران: نشر یادآوران.
- استیل، جیمز. ۱۳۹۳. *نسل جدید معماران معاصر جهان اسلام، راسم بدران*. با ترجمه محمد جواد مهدوی نژاد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- اکبرزاده، حامد علی، و مصطفی سلطانی. ۱۳۹۴. "محمد ارکون و کاربست پسا ساختارگرایی در نقد عقل اسلامی." *پژوهش‌های معرفت‌شناختی* ۱۰: ۱۱۹-۱۴۴.
- بت، بشیر احمد. ۱۳۹۰. "بررسی دلایل انحطاط تفکر اسلامی و راه‌های احیای آن در اندیشه‌های استاد مطهری و اقبال لاهوری." *اندیشه تقریب* ۳۹-۵۸.
- بدران، راسم. ۱۳۹۳. "مقدمه." در *نسل جدید معماران معاصر جهان اسلام، راسم بدران*. توسط جیمز استیل، با ترجمه محمد جواد مهدوی نژاد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- بلر، شیلا، و خاناتان بلوم. ۱۳۹۱. *هنر و معماری اسلامی (۲) ۱۲۵۰-۱۸۰۰*. با ترجمه یعقوب آزند. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)-مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- توانا، محمد علی. ۱۳۸۵. "اسلام و مدرنیته در اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی." *پژوهش علوم سیاسی* ۹۷-۱۱۳.
- جهانبگلو، رامین. ۱۳۸۴. *موج چهارم*. تهران: نشر نی.
- حیبی، سید محسن. ۱۳۸۵. *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ذاکر اصفهانی، علیرضا. ۱۳۷۷. "سیری در اندیشه سیاسی علامه محمد اقبال لاهوری." *فرهنگ* ۳۰۵-۳۲۶.
- ساعی، احمد. ۱۳۸۵. "مقدمه‌ای بر نظریه و نقد پسا استعماری." *مجله دانشکده علوم و حقوق سیاسی* ۱۳۳-۱۵۴.
- شیرزاد، امیر. ۱۳۸۷. "مروری بر اندیشه اقبال لاهوری و اتحاد جهان اسلام." *اندیشه تقریب* ۳۳-۵۴.
- عباسی، ولی الله. ۱۳۸۷. "احیای دینی از دیدگاه اساد شهید مطهری و اقبال لاهوری." *طلوع* ۱۵-۳۲.

- قاسم پور، حسن، و مزگان خلیلی. ۱۳۹۳. "اسلام، مدرنیته و تجربه دینی." *فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز* ۳۱-۴۸.
- کلاهدوز، پرستو، و حمید عابدیه. ۱۳۹۴. "بررسی نظریه رنسانس اسلامی در تفکرات اقبال لاهوری." *جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* ۶۹-۸۶.
- مدرسی، فاطمه. ۱۳۷۹. "اقبال لاهوری نغمه سرای بیداری." *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران* ۲۵۱-۲۶۴.
- مرشدی زاد، غلی. ۱۳۸۵. "باز سازی اسلام از مسیر شک دکارتی." *دو فصل نامه اخبار ادیان* ۱۹: ۳۷-۳۹.
- مسعودی، جهانگیر، و هوشنگ استادی. ۱۳۸۸. "نقد عقل عربی- اسلامی در دیدگاه حابری و اراکون." *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم- پژوهش های فلسفی-کلامی* ۱۱ (۲): ۷۸-۱۰۲.
- معظمی، منوچهر، و عیسی حجت. ۱۳۹۶. "ریشه های گسست و گم گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران." *نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر* ۲۱: ۱۰۳-۱۱۲.
- منصور زاده، محمد باقر، و زهرا مسعود. ۱۳۹۶. "بررسی مبانی اندیشه های سیاسی در میان نو معتزلیان با تاکید بر آرای نصر حامد ابوزید." *فصلنامه سیاست* ۳۷-۴۹.
- نصر، سید حسین، و مرضیه سلیمانی. ۱۳۹۰. "جهان بینی اسلامی و علم مدرن." *فلسفه و کلام، اطلاعات حکمت و معرفت* ۵۸-۶۱.
- Abdelmonem, Mohamed Gamal, and Gehan Selim. 2003. "Contemporary Islamic Architecture In The Arab World." *18TH MIDDLE EAST HISTORY AND THEORY CONFERENCE*. CHICAGO, USA.
- Al Sayyed, Waleed. 2011. "Contemporary Arab Architecture: Space, Form, and Function." *Lonaard* 2 (7): 49-75.
- Al-Asad, Mohammad. 1992. "the mosques of Abdel Wahed El-Wakil." *MIMAR* 42: 34-40.
- Dokaj, Erda, ed. n.d. *arch20*. Accessed June 18, 2018. <https://www.arch20.com/hajj-terminal-king-abdulaziz-airport-som/>.
- n.d. *archidatum*. Accessed June 1, 2018. <http://www.archidatum.com/gallery?id=7163&node=7146>.
- Fairs, Marcus. 2008. *dezeen*. December 2. Accessed June 10, 2018. <https://www.dezeen.com/2008/12/02/museum-of-islamic-art-by-im-pei/>.
- Gangwar, Gaurav. 2017. "Fusion of Ancient and Contemporary Design Principles in the Works of B.V. Doshi." *Journal of Civil Engineering and Environmental Technology* 11-16.
- Kultermann, Udo. 1991. "CONTEMPORARY ARCHITECTURE IN JORDAN." *MIMAR* 39: 10-15.
- Rabbat, Nasser. 2012a. "What is Islamic architecture anyway?" *Journal Of Art Historiography* 6.
- Rabbat, Nasser. 2012b. "Why is Contemporary Islamic Architecture Risking Banality?" Edited by Modjtaba Sadria. *Homogenisation of Representations (Aga Khan Award for Architecture)* 113-124.
- Serageldin, Ismail. 1996. "A Critical Methodology For Discussing The Contemporary Mosque." In *Architecture of the contemporary mosque*, by Ismai Serageldin and James Steele. London: Academy Editions.
- Serageldin, Mona. 1983. "New Popular Housing in the Middle East." *Exploring Architecture in Islamic Culture 1: Architecture and identity*. Kuala Lumpur: Agha Khan Award for Architecture. 14-21.
- Tukan, Jafar, and Akram Abu Hamdan. 1984. Edited by Hasan Uddin Khan. *Mimar* 54-65.

# Theoretical origins of contemporary architecture in Islamic world

Mohammad Sadegh Foroughi <sup>1</sup>, Jafar Taheri <sup>2</sup>

<sup>1</sup> Student in M.A, Faculty of Architecture and Urbanism, Ferdowsi University of Mashhad

<sup>2</sup>Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding author; E-mail: j.taheri@um.ac.ir)

**Abstract:** The duality of preservation and continuance of Tradition or accepting the whole concept of modernity is a problem that architects have answered differently in their projects. The views of contemporary thinkers of the Islamic world concerning the relation of these two concepts, and tendency of the architects towards them affected their answers deeply. To put it another way, there are three general approaches and discourses identifiable in the field of theory (thought) and practice (architecture): 1) traditionalism (returning to traditions) 2) modernism (following the modernity) and 3) synthesis of tradition and modernity. The last approach includes a wide range of architects-each one being at one point of this dual spectrum. After surveying the effects of these discourses on leading Islamic architects' thoughts and styles, this paper will present a historical interpretation of major design approaches based on dual and multifaceted concepts of tradition and modernity. This Interpretation has been based on comparative correspondence and comparison of theoretical basics and works of contemporary architects or thinkers such as Sayyid Jamāl ad-Dīn Asadābādī, Allama Iqbāl, Mortezā Motaharī, Seyyed Hossein Nasr, Mohammad Arkuon and Mohamed Abed Al-Jabri. Although each one of these architects had been affected by one of these three approaches, and in fact, their tendencies were toward the two sides of the spectrum of tradition and modernity, the findings show that, most of them have indicated a tendency toward intermediate synthesis discourse, especially since the second half of the twentieth century. Moreover, it seems that in the last two decades, besides the continuation of this discourse, the tendency toward modernity has increased. Generally, the outlook of architecture in Islamic world will be affected by the duel between the modern restoring ideas and the extent of the influence of these thoughts on the rulers and elites of society.

**Keywords:** Architecture, Islamic world, Modernity, Religion restoration, Tradition